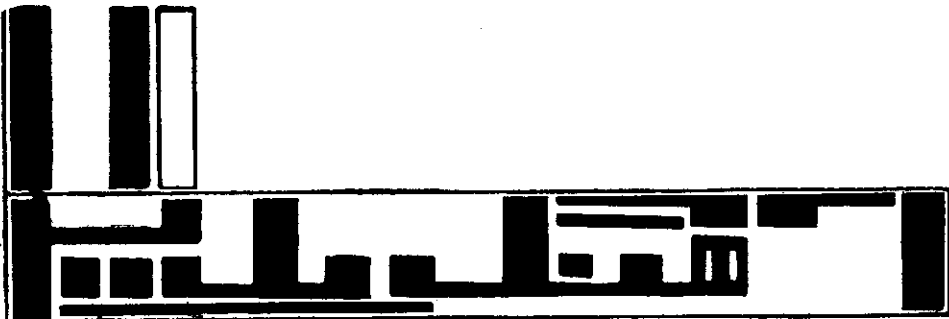


5117

2/2



الفنیدینا

مخصوصاً جامعہ بہائی است «اجتہاداً فیما بینہم خیر فی دحل شونہ و در امور سیاستیہ مداخلہ نمایند»
«حضرت عبدالبہاء»

شماره مسلسل ۲۲۲

شماره مسلسل شمارہ القدرہ ۱۲۲ بیع
آبان ۱۳۲۴ شمسی
نوامبر ۱۹۶۵ میلادی

شماره ۸ سال ۲۰

فہرست مندرجات

صفحہ

—	۱ — لوح مبارک جمالقدم جل جلالہ
۳۰۵	۲ — چرا از مداخلہ در سیاست ممنوعیم (دکتر محمود مجذوب)
۳۰۸	۳ — خاطرات سفر ایران (ترجمہ دکتر وحید معانی)
۳۱۰	۴ — ندای امر در نیجر
۳۱۳	۵ — شعر سودای او (نعمت اللہ ورتا)
۳۱۵	۶ — مسیح (علاء الدین قدس جورابچی)
۳۲۴	۷ — يك مہمان عزیز (ع — صادقیان)
۳۲۶	۸ — انجمن دوستان
۳۲۹	۹ — عکس تاریخی
۳۳۱	۱۰ — قسمت نوجوانان

عکس روی جلد — باغ رضوان

عظيم الله
هو الله

يا ابا نخليل ووراث الكليم لكم ان تدعوا ما في الدنيا اخسدين ما اتاكم من لدى الله مالكا الاسماء
اتم الذين نستم باابقا اعلى اذ اعرض عن اهل الانشاء سوف تفتح على وجهكم ابواب
رحمة ربكم المشتق الزيم ضعو الاسماء وضدوا من يذكركم في هذا المقام الحسنة الرافع اياكم ان تمسككم
سنوات الارض عن فاطمة السماء اتم الذين نستم بجله الله المعظمة التي بها طرفة كان كمنونا في علم
الله العزيز الودود ان احفظوا ما علم باسم ربكم الرحمن وسبوا بحمده انه معكم ويركلم انه لهوا حتى علام الفينو
انما البس عليكم وعلى منكم من الذكور وازنات وعلى كل مقبل قام على خدمته امرته مالكا

الملول.

چرا از مداخله در سیاست ممنوعیم

"میزان بهائی بودن و نبودن اینست که هرکسی در امور سیاسی مداخله کند و خارج از وظیفه خویش حرفی زند و یسا حرکتی نماید همین برهان کافی است که بهائی نیست دلیل دیگر نمیخواهد..."

"نفسی از احبایا اگر نخواهد در امور سیاسی در منزل خویش یا محفل دیگران مذاکره بکند اول بهتر است که نسبت خود را از این امر قطع نماید و جمیع بدانند که تعلق باین امر ندارد خود میداند."

(حضرت عبدالبها)

"از امور سیاسی و مخاصمات احزاب و دول باید کل قلبسا و ظاهرا و لسانا و باطنا بکلی در کنار و از این گونه افکار فارغ و آزاد باشیم و ما هیچ حزبی رابطه سیاسی نجوئیم و در جمع هیچ فرقه ای از این فرق مختلفه متنازعه داخل نگردیم."

(حضرت ولی امرالله)

دکتر محمود مجذوب

باتوجه به بیانات مقدسه متعالیه فوق و سایر نصوص مبارکه در این مقال راجع بعلمت عدم مداخله افراد بهائی در امور سیاسی و منازعات و مخاصمات احزاب و دول مختلفه عالم مطالبی را مطرح نموده و حکمت این حکم و دستور مبارک را باتوجه به نصوص مبارکه و حد و فهم نگارنده بیان مینمائیم :

۱ - ما اهل بها پس از تحری حقیقت و تحقیق کامل و درک حقایق این ظهور مبارک بکمال رضا و

رغبت خود را بهائی نامیده و جمال اقدس الهی را بزرگترین مری عالم انسانی و مظهر کلی الهی میدانیم و معتقدیم که اطاعت از او امر و نواهی آن نفس مقدس یگانه راه علاج دردهای مزمنه جامعه بشریت و وصول افراد بشر به کمالات و فضائل عالیه انسانی میباشد . ایمان داریم که حضرت بها الله چون پزشکی دانا آلام و اسقام مزمنه عالم انسانی را تشخیص داده و به حکمت و مداوای الهی به معالجه پرداخته و داروی سریع العلاج عنایت فرموده اند . اگر به حذاقت این بزشک دانا و آسمانی یقین داریم دیگر در دستورات و تعالیم و اوامر و نواهی او نباید چون و چرا گوئیم و دلیل و برهان طلبیم بلکه باید اوامرش را قلبا و عملا مطیع و منقاد گردیم و ایمن

آهنگ بدیع

که علت اصلی عدم مداخله اهل بهاء در امور سیاسی و منازعات و مناقشات احزاب و دول مختلفه روشن و معلوم میشود زیرا جمیع احزاب و دول عالم و سیاست‌های موجوده هر یک هدفی محدود و مخصوص را دنبال میکنند و به مصالح عده ای معین از افراد انسانی توجه دارند. هر کدام منافع یک نژاد معین یا ملتی مشخص یا طبقه ای از طبقات اجتماع را مورد نظر خود قرار داده و از مصالح و منافع و سعادت و آسایش سایر افراد بشر چشم پوشیده اند و حتی برای جلب منافع افراد خود و پیشرفت مقاصد خویش به جنگ و ستیز و نبرد و خونریزی پرداخته و جان و مال و سعادت و امنیت افراد بشر را دستخوش اغراض و اهداف خود نموده اند. در حالیکه دیانت بهائی نهضتی روحانی و عمومی است که همه اهل عالم را بدون توجه به این قیودات و تشخصات بندگان خداوند یگانه میداند و به مساوات حقوق عموم افراد بشر معتقد است و برای سعادت و آسایش اهل عالم از طریق تفهیم و تبلیغ حقایق این آئین دلنشین و بالاخره تأسیس ملکوت صلح و سلام بدر آسمانی در بسط غیبا کوشش و تلاش میکند و توسل به جنگ و جدال و حرب و قتال را بمنظور نیل به اهداف خود مذموم و مردود میداند. بنابراین یک فرد بهائی یا باید فی الحقیقه قولا و عملا ظاهرا و باطنا از هدف عمومی و جهانی دیانت بهائی و راه و روش آن پیروی کند و یا آنکه خود را از انتساب به جامعه بهائی معاف دارد و بضایع و مخاصمات احزاب و ملل

اطاعت را سبب نجاح و فلاح دانیم. .
قلم اعلی میفرماید: " بیخبران چون پزشکانند که به پرورش گیتی و کسان آن پرداخته اند تا بدرمان یگانگی بیماری بیگانگی را چاره نمایند در کردار و رفتار بزشک جای گفتار نه زیرا که او بر یگانگی کالبد و بیماریهای آن آگاه است و هرگز مرغ بینش مردمان زمین بفرز آسمان دانش او نرسد..."
و نیز میفرماید: "... رگ جهان در دست پزشک دانا است درد را میبیند و بدانائی درمان میکند..."
۲- هدف دیانت مقدس بهائی ایجاد صلح عمومی و اتحاد بین المللی و مساوات حقوق بشر و بالاخره تأسیس وحدت عالم انسانی است و جمیع احکام و تعالیم فردی و اجتماعی این ظهور ملکوتی طائف حول این مقصد عالی میباشد. با توجه به این هدف است که بهائی حقیقی باید خود را خیر خواه جمیع اهل عالم بداند و نسبت به همه مردمان بدون توجه به نژاد و ملیت و مذهب مهر و محبت ورزد و زنگ تیره تعصبات و تقالید مختلفه و حدود و قیود موجوده را از صفحه دل محو کند. اینک اگر فردی پس از تحقیق و تحری کامل بکمال آزادی اراده و بدون اجبار و تکلف خود را بهائی نامیده و تابع و معتقد احکام و تعالیم الهی و عمومی این آئین نازنین گردد باید این ایمان و اعتقاد در رفتار و گفتار و پندار او نیز نمایان و هویدا شود و قلبا و باطنا اهل عالم را بار یکدار و برگ یک شاخسار بدانند و کره ارض را یک وطن و من علی الارض را اهل آن بشناسد. در اینجا

سرگرم شود و به هدفهای محدود و مقید و مسادی آنها خویشتن را دلخوش و مشغول سازد چه اگر به افراد بهائی در هر مرز و بومی اجازه مداخله در مسائل و امور سیاسی داده شود وصول به هدف عالی و مقدس این نهضت روحانی که تحقق وحدت عالم انسانی و صلح اعظم در انجمن بنی آدم است منتعم الوصول میشود و وحدت جمع اهل بهاء که وثیقه نیل باین اهداف است بمخاطره می افتد بلکه پس از اندک مدتی محو و ناپدید میگردد . زیرا هر یک از افراد احباء بنا بر ذوق و سلیقه و اطلاعات و سطح فکر خود تابع و هوا خواه سیاست و روش و اهداف یکی از احزاب و سیاستهای موجوده که همه باهم اختلاف منافع و مقاصد دارند خواهند شد و در نتیجه در داخل جامعه جهانی بهائی اختلاف نظر و - تفاوت مشرب و سلیقه و بالاخره جدال و نزاع و مجادله و مشاجره ظهور کرده اساس وحدت و یگانگی و اتحاد و اتفاق متزلزل گردیده و اهداف عالیه این شریعت بیضا بدست فراموشی سپرده خواهد شد و بلایا و صدمات و فداکاریها و زحمات مداوم که در طول تاریخ درخشان امر الهی بجهت استقرار وحدت عالم انسانی و اتحاد نوع بشرو تأسیس ملکوت صلح تحمل گردیده بی اثر و نمر خواهد ماند .

۳ - ما اهل بهاء را قلم اعلی بخطاب

احلای حزب الله مخاطب فرموده اند . این حزب الهی تابع سیاستی است که در آثار مبارکه به

سیاست الله تعبیر گشته است . غایت قصوی این حزب الهی ایجاد اعتقاد کامل به خداوند یگانه و ایمان راسخ به اصول روحانی و اخلاقی شرایع الهیه در قلوب افراد انسانی و همچنین رفع تعصبات و اختلافات و اوهام و خرافات موجوده و استقرار وحدت عالم انسانی و تأسیس فضاء و کمالات عالیه در این عالم فانی میباشد . اینک یک فرد بهائی که پس از تحری و تحقیق کامل داخل در حزب الله شده و مرام و مقصد و اصول و مبادی آن را عین صواب یافته و اوراق مخصوص تسجیلیه را که شامل اعتقادات اساسی اهل بهاء است امضا نموده حق شرکت و عضویت و فعالیت در احزاب سیاسی را که اصول اعتقادات و اهداف و خط مشی آنها ادنی توافقی با تعالیم عمومی و آسمانی این ظهور مبارک ندارد نخواهد داشت . یکی از وظائف اساسیه هر فرد بهائی ترویج و تبلیغ امر الله و تفهیم حقایق دین الله و حفظ و حراست مصالح شریعت الله است . حال اگر فردی با اعتقاد بعبادی و تعالیم اساسیه این ظهور مبارک بسای بند افکار و اهداف یکی از احزاب و دستجات سیاسی گردد تکلیف او چه خواهد بود؟ و مردم و مقصد کدامیک را ترویج و تبلیغ خواهد کرد؟ در صورت تعارض و تناقض بین حکمی از احکام الهی با اصلی از اصول حزب سیاسی چه روشی اتخاذ خواهد نمود و کدامیک را مورد توجه و عمل قرار خواهد داد؟ بدیهی است فرد بهائی با توجه

خاطرات سفیر ایران

ایادی امیرالمؤمنین فیضی

ترجمه سرهنگ دکتر وحید معتمد

(۷۰۶)

(۳۳۳ مصفحات)

یادی از مصائب گذشته

... از طهران باصفهان مسافرت کردم و پنج شب توقف نمودم . شبی بیکی از قرا مجاور بنسجام نجف آباد که احبای آن در شجاعت و ثبوت و رسوخ در ایمان شهره اند رفتم . بعلت سرمای زمستان از سالسون بزرگ استفاده نشد لذا ایاران با زحمت فراوان خیمه بزرگی در منزلی برپا کردند و کف آنرا باقالی های بسیار زیبا فروش نمودند . جمیع احباء بر زمین جالس بودند و خانمها با البسه رنگین حضور داشتند و بنظر میرسید که در باغی مصفا در میان گلهای معطر رنگارنگ ایستاده صحبت میکنم . حاضرین اغلب از احبائی بودند که در سال ۱۹۵۵ که طوفان سهمناک بلایا سراسر ایران را فرا گرفته بود در نهایت مظلومیت تحمل بلایای لاتحصى نموده بودند . کوشش من برای یافتن جملاتی مناسب بی حاصل بود . یگانگی و محبت و یادآوری خاطرات گذشته و مصائب طاقت فرسا و مظلومیت احبای عزیز مرا چنان تحت تأثیر قرار داده بود که لسان از بیان قاصر بود لذا مدتی بآنها نگرستم و از مشاهده هر صفی از احبای جانباز قدرتی عظیم و روحانی در خود احساس مینمودم . لذا شرحی از احبای نازنین بولیویا و بیشترت معجز آسای امیرالله در هند و افریقا و حکایاتی چند از سفر یکساله اخیر خود بدور دنیا برایشان نقل کردم . در موقع صحبت از کنفرانس بین القارات و کنگره جهانی دیدگان احبای عزیز از شدت هیجان و شادی بر از اشک شد در این موقع عظمت انوار جمال الهی را از وجوه نورانیه بندگانش بچشم ظاهر مشاهده کردم لذا برای تسکین آلام آنها گفتم اگر بایتان در کنند و زنجیر مصائب و بلایا گرفتار است و قدرت حرکت و نشسر امیرالله را در اقطار جهان ند آرید غمگین باشید که خواهران و برادران از جان گذشته شما با خدمات مشعشعانه خود مصباح امر الهی را در تاریکترین زوایای جهان برافروخته اند .

این مقاله قسمتی از نامه ایادی امیرالله جناب فیضی علیه بها الله است که درباره خاطرات مسافرت خود به ایران مرقوم داشته اند . اصل این نامه در مجله (بهائی نیوز) امریکا چاپ شده است .

در شیراز نیز پنج شب توقیف نمودم . در آنجا سعادت زیارت بیت مبارک و اطاعت دست داد که جناب ملاحسین مقابل هیکل مبارک جالس بود و بسمع جان صدای روح پرور آن مبشر اعظم را در حین اظهار امر و نزول آیات استماع نموده بود . در شیراز حادثه ای اتفاق افتاد که بی شباهت به معجزه نبود . قبلا تلگرافی از محضر حضرات ایادی امرالله در ارض اقدس رجا نموده بودم که میقاتی تعیین نمایند و در مقام اعلی جهت دعا برای پیشرفت امرالله جمع شوند و مرا هم مطلع نمایند که در همان روز و ساعت در بیت مبارک شیراز برآز و نیاز بردارم تا زنجیر مغناطیسی روحانسی بین نقطه اولی و اخری یعنی موطن حضرتش در شیراز و مرکز استقرار عرش مطهرش در کوه کرممل گسترده و ممدود شود . جناب تلگراف را در مراجعت از شیراز به طهران دریافت داشتم . قبلا اجازه میخواهم مطلبی عرض کنم روزی مانند اینکه یس غیبی مرا بسوی بیت مبارک بکشاند بدر بیت رفتم و با چشمانی اشکبار به تبتل و تضرع مشغول شدم در همان اطاق اظهار امر جمیع عزیزانی را که در ممالک مختلفه زیارت کرده بودم یاد نمودم و برای هر یک دعا و مناجات کردم . قیافه نورانی هر یک ازین حبیبان الهی در همان اطاق محفردر برابر نظرم آمد و این احساس غیر قابل توصیفی است که همیشه بامن بوده و خواهد بود چیزی که مرا

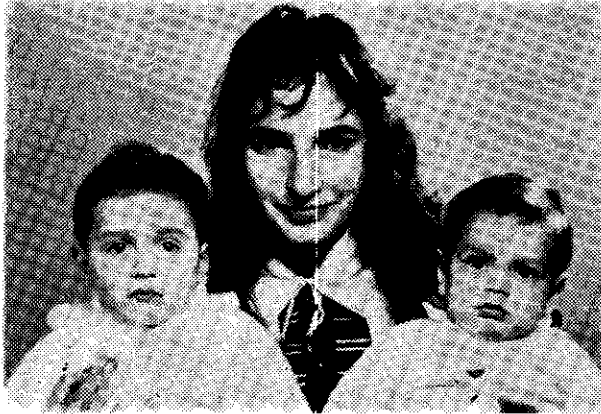
شدیدا تحت تأثیر قرار داد کوچکی فوق العاده خانه و اطاعتها و حوضی بود که در حیاط قرار داشت حقارت این بنا و عظمت مأموریتی که هیکل مبارک حامل آن بودند و اکنون سراسر عالم را فرا گرفته بما نشان میدهند که خداوند امر خود را با وجود مشکلات و موانع متعدد بچه نحو محیرالعقول در ممالک و دیار بعیده منتشر میسازد . چه نقشه عظیمی ! چه نقشه الهی کبیر اکبری ! همان اطاق بسیار کوچک به اراده الله سرچشمه جمیع نعم و محل نزول برکات الهیه و نقطه اولی جهت ظهور و بروز قدرت عظیمه روحانیه برای نوع بشر شده است . وقتیکه در طهران تلگراف جوابیه حضرات ایادی از حیفا رسید دانستم که درست در همان روز و ساعتی که من بلا اراده بسوی بیت مبارک کشانده شده بودم حضرات ایادی امرالله جهت دعا در مقام اعلی گرد آمده بودند .

تائیدات فیهبیه برای قائمین بخدمت

در این ایام که اوائل سال ۱۲۱ بدیع است امیدوارم که با روحی جدید و نشئه ای بدیع جهت اجرای وظائف خود در نقشه نه ساله بیت العدل اعظم محبوب آماده باشید . همه ما بخوبی بیانات مبارکه حضرت ولی امرالله را در موقع تنظیم نقشه جهاد کبیر اکبر بخاطر داریم که میفرمودند نقشه ده ساله یله اول یا بعبارہ اخری

ما در منزل جانان چه امن و عیش چون مردم
جرس فریاد میدارد که بر بندید محملها

ندان امر در نیجر



دردل آن دو شیفته جمال قدم که یکی را رضوانیه نام و دیگری را پروین
عنوان بود آرام و قرار وجود نداشت . یکی در این غم بود که تا پایان نقشه جهاد کبیر اکبر
روحانی دهساله حضرت ولی محبوب امرالله نتوانسته بود با آرزوی دیرینه خود یعنی
اقدام در سبیل هجرت نائل گردد و دیگری باین میاندیشید که چگونه به همراه همسر
خود سه سال تمام در میدان برزیل بهمت و بایمردی کوشید و سرانجام سختی همیشه
مجبور شد ساخت که بوطن ماکوف باز گردد و در منزل مرد و یک فکر بیش رسوخ نداشت و آن
اینکه چون طیور سبکبار بسوی افق دیگر پرواز کنند و بر شاخسار گلستان دیگر بنغمه های
خوش روحانی بردازند .

این آرزو همچنان در قلبشان باقی بود تا نقشه منیع نه ساله اولیسن
بیت العدل اعظم الهی منتشر و بار دیگر فرمان قیام صادر گشت . آن شب که این خبر
بان دو مشتاق آرزومند رسید تا بسحرگاه از فرط شادی خواب بدیدگانشان راه نیافت .



آهنگ بدیع

رضوانیه خانم و پروین خانم از دیرگهان باتفاق شوهران و فرزندان خود محفل خانوادگی کوچکی داشتند که هر هفته در آن محفل گرد میآمدند و در باب مسائل مختلف امری سخن میگفتند و اکثرا فکرشان بر گرد محور مهاجرت دور میزد .

در اولین محفلی که پس از وصول فرمان مزبور تشکیل دادند تصمیم گرفتند که فکر دیرین خود را بمرحله عمل نزدیک سازند . نقشه گره ارض را در مقابل نهادند و جزئیات آن را زیر نظر گرفتند . نگاهها از اروپا با آمریکا و از آمریکا بافریقا سیر میکرد تا آنکه بآن خطه سفید از قاره سیاه رسید که روی آن نوشته شده بود نیجسرا (۱) همانجائی که تا آنوقت بکرو نگشوده مانده و افتخار فتح آن باجای ایران بخشیده شده بود .

نگاهها و قلبها با هم تلاقی کرد و بر زبان جمله حاضرین در آن محفل آسمانی جاری شد :

نیجسرا .

از صبح روز بعد فعالیت آغاز گشت . بهمن و ابراهیم بر آن شدند تا رضوانیه و پروین را باتفاق فرزندان دلبندها بعنوان «لایه» کاروان بجانب ارض معهود روانه سازند و خود تا زمانیکه آنها کاملاً مستقر و با برجا نشده اند در ایران باقی بمانند و مخارج ایشان را تأمین نمایند .

همینکار را هم کردند . در سحرگاه چهارشنبه بیست و سوم تیرماه سال یکهزار و سیصد و چهل و چهار امید پنجساله و جمشید سه ساله فرزندان خانم رضوانیه و آقای دکتر بهمن صادقزاده و هوشیار یازده ساله و مازیار هشت ساله و کامیار چهار ساله فرزندان خانم پروین و آقای ابراهیم جنیدی به همراه مادران جوان و شیر دلشان بجانب مقصد حرکت کردند . ابتدا برسم عاشقان صادقی بشهر لندن شتافتند و بر مرقد محبوب بوسه زدند و با توشه ای گران از استقامت و توکل و انتفاع بیاریس رفتند و سپس با صرف کوشش بسیار روادید کشور تیجر را تحصیل و بدان صوب رهسپار گردیدند و عاقبت در اوائل شهریور ماه بآرزوی دل و جان واصل و بفتح آن غله بعید نائل و بدریافت این

(۱) نیجسرا کشوری است واقع در غرب قاره افریقا که سابقاً از مستملکات کشور فرانسه بوده و از سال ۱۹۶۰ میلادی استقلال یافته و اکنون بطریق جمهوری اداره میشود مساحت آن قریب به ۴۵۹۰۰۰ میل مربع و جمعیت آن ۲۹۰۰۰۰۰ نفر است پایتختش شهر نیامی و زبانهای رسمی آن عبارتست از هامیتیک ، نگر و فرانسه از نظر امری تحت اشراق محفل روحانی ملی کامرون میباشد .

آهنگ بدیع

تلگراف منبع از ساحت رفیع بیت العدل اعظم الهی متبانی گردیدند .:

" از خبر هیجان انگیز فتح نیجر نهایت مشعوف .

در اعیان مقدسه برای اما مخلص وفد آکار رحمن

جنیدی و صادقزاده دعایمکنیم . مطمئن باشند ."

بیت العدل اعظم

هنوز چند روزی از ورود آن فارسان منمار خدمت به نیجر نگذشته بود که باب امتحان

الهی مفتوح گشت و امید فرزند دکتر صادقزاده و رضوانیه خانم بیمار شده بملکوت

ایبی صعود نمود . تلگراف تسلیمیت بیت العدل اعظم بمشمن زیر عقده دل مادر غمزده

راباز کرد :

" امه الله رضوانیه خانم صادقی زاده از صعود

مهاجر جوان امید صادقزاده قلوب محزون با ابلاغ

تأثرات قلبیه برای تعالی رجحش در اعیان مقدسه

دعا میکنیم ."

بیت العدل اعظم

وقتی این خبر در ایران بگوش دکتر بهمن صادقزاده بدر طفل رسید آنچنان آنرا با صبر

و صبات تحمل کرد که گوئی هیچ اتفاقی نیفتاده . خنده همیشگی را بلب داشت و با

کمال اطمینان و باستناد آیات الهی میفرمود که برای آن فتح این قربانی لازم بود .

سرسوزنی ناراحتی و تأثر از خود نشان نمیداد و لله الحمد صبح روز یکشنبه چهاردهم

شهریور ماه از طریق باریس عازم نیجر گردید و بفاتحین دلیر آن اقلیم پیوست . اخبار

بعدی حاکی است که مهاجرین عزیز مزبور خدمات روحانی خود را آغاز کرده و در سبیل

توفیق سالگ گشته اند .

آهنگ بدیع بمنظور تجلیل از اقدام مهیورانه این دو خاندان محترم بذکر این مختصر

مبادرت ورزید تا خاطره فداکاری و ایمان و انقطاع آنان برای همیشه در صفحات تاریخ

امر بیادگار باقی بماند .

گویند مگو سعدی چندین سخن از عشقش

میگویم و بعد از من گویند بدورانها

سودای او

نست او را

صبح است و ابر گهر بار گوئی بساحت غبـرا
امروز شد ، کره خاک آئینه رخ افـلاک
ساد از شکوفه بگزار باشیده لؤلؤ مندور
روح القدس نه اگر باد اغضان باسقه از چیست
بستانسرای طبیعت شد رشک جنت موعود
یکسو طیسور شباهنگ یکسو خروش دف و چنگ
افروختت از افق دل انوار اشرفیت الارض
بسترد زینت گلزار آزیـن صفحه ارتنگ
از یمن نامیه گسترد فراش بساد بهاری
در زمگاه صبحی بنهاده بیر خرابات
مطرب بنغمه موزون بزدوده غم زد دل چنگ
مستان باده وحدت افتاده بیخود و سرمست
پروانه گان هدی را در پای شمع رخ دوست
رخسار یار دلارام رخشان در آئینه جام
یا در صحائف تکوین آیات نشئه اولی
ما را ببدل نبرد راه عشق غوا نیسی حسنا
احوال لیلی و مجنون اطوار وامتی و عذرا
مائیم و مهرنگاری کز پرتومه رویش
سر سرائر مکنون کسز جواهر مخـسزون
خورشید لایح توحید ورقاء صدادح تفرید
تفسیر آیه واللیل مویش بجمد سیه فام
موسای عقل بکویش مدهوش نور تجلی

ریزد لالی مکنون بارد جواهر بیننا
بروی زابیح عوار ریخت از بس کواکب نسورا
اندام شاخ گل از برگ پوشیده حله خضرا
حامل بعیسی اسما هر یک چو مریم عذرا
از لعبتـان بهاری از بلبلان خوش آوا
سوئی ترانه مطرب سوئی ترتـم ورقـا
بنواخت محیی اشباح سافور بعثت کبری
بگرفت ساحت گلگشت پیشی ز دفتر لوقا
دیبای چین به چمن زار فرش حسـریر معوی
پیمانـه می نوشین رطل رحیق مصفی
ساقی بنگس میگون افزوده نشوه صهبـا
دلها فکده بدریا جانها سپرده بینما
بگرفته شعله سراپای من صاعد یتلظی
چون نور هستی مطلق در ذات وفـلرت اشیـا
یاد رهیـاکل اسماء اشراق طلعت ابهی
ما را بدیده نیاید حسن کواعب غـنا
دوری گرفته هدی الدهر مارا ز سمع و مرئی
آفاق ارژن و سما یافت فرتور سینه سینا
نفس مهیمن بیچون فیاض صورت و معنی
دریای طافح تجرید ذات منبع مـبرا
تبیان سوره والشـمس رویش بفره غـرا
عیسای روح زبوش احی العظام و سـوی

(بقیه در پشت همین صفحه)

قدوسیان بخیا مش دل بر شواهد اسرار
 بر آستان جلالش بنهاده صـادراول
 در لاتعین ذاتی چون قید اسم و صفت خواست
 بر خون نعمت او جمع مطران و زاهد و قسیس
 ز آن مصدر آمده صادر تورات و صحف و انجیل
 تا بر سریر انا لله زد تکیه آن شمه یکتا
 آفای و انفس امکان شد یار شادی و عشرت
 از نای بلبل مشتاق بنیوش نغمه داود
 آن يك سرايد و خوانند رب الملائك والروح
 كلك و تذرو چه گویند سبحانه لمن الملك
 جز وصف عارض او نیست جز نعت فائق او چیست
 مفلور طاعت اویند یکسر عناصر و افلاک
 این راز بر تو عیان نیست و ز طور نطق و بیان نیست
 بحر است بی بن و پایاب کیمهان ربوده بیک موج
 مردان کار در این راه دانی که از چه فریفتند
 و ربایدت شدن آگاه باری ز محنی ایسن راز
 آنانکه در ره معشوق نشناختند سرازیرا
 دردی کشان بلایند و اصل باصل عطایند
 تلویح آیه نورنده مشکوه نور ظهورند
 مستنان خم الستند خمار و بادیه پرستند
 یا حبذا اگر این نظم عزقبول بیابند
 غصن ربوبی ممتاز رسته ز سدره لاهوت

سبحیان بحریمش جان در شاهد زلفی
 تاج الكرامه ز تهلیل لمادنی فتدلی
 افروخت زین همه آثار صحن عوالم انشأ
 روشن ز پرتو آن شمع بیت و گششت و کلیسا
 ز آن آسمان شده نازل زند و زبور و اوستا
 آهنگ وجد سرودند خیل ملائک بشری
 ارکان عالم نعمتی دمساز عیش موفقی
 از بانگ دلگش دراج آوای چنگ نکسیا
 این يك نواز و سازد تسبیح فاطراسما
 طاوس مست چه خوانند فی الدار لم يك الا
 دستان طیر مخرد سجع حمامه ذکری
 سودای او همه ماراست ثابت بسرسویدا
 اسرار عالم جان نیست دمساز نقش و هیولی
 دشتی مخوف و غطر زای کش نیست مقطع و مجدأ
 جمعی گسته سلاسل بگذشته از لم و لمای
 میبرس صورت احوال ز اهل سفینه حمراً
 رفتند بیخبر از خویش هشتند بار من و ما
 خاصان بزم ولایند یاران لیله اسری
 مصباح وادی لورند مرآت آن رخ زیبا
 از جام جان همه مستند فارغ زدنی و عقبی
 در بار آنکه سوی الله برکوی اوست جبین سا
 معبود عالم امکان محبوب داور یکتا

” حضرت عیسی ابن مریم علیه سلام الله و عنایتہ بہ آیات و اضحات و بینات باعرات ظاہر شد و مقصودش نجات خلق بودہ . ہر منصفی شاہد و ہر خبیثی گواہ است آن حضرت از برای خود چیزی نطلبیدہ و نخواستہ و مقصودش ہدایت گمراہان بہ صراط مستقیم الہی بودہ . ” (حضرت بہاء اللہ)

انتظار قوم یہود

سالہا پیش از دعوت و قیام حضرت مسیح انتظار ظہور موعود در میان قوم یہود رو شدت نہاد و امید بہ آمدن نجات دہندہ و پیدایش ” ماشیہ ” رو بفرزنی گذاشتہ بود . یہودیہ در آن زمان در زیر سلطہ حکمرانان رومی بسر میردند و مشتاقانہ آرزوی استقلال داشتہ و در انتظار ضجی الہی روز شماری ہی کردند و در کئیسہ ہا بہ دعا و مناجات پرداختہ و در معابد بحجز و نیاز مشغول بودند و از ” یہوہ ” خدای خویش تمنای آمدن نجات دہندہ را میکردند . نویسندگان در آثار و نوشتہ های خویش و بزرگان در سخنان و گفتہ های خود قرب ظہور موعود را پیشگوئی کردہ بشارت میدادند . بدینگونہ قوم یہود با اشتیاق فراوان در انتظار آمدن مسیح موعود بسر میردند و در انتظار روزی بودند کہ آن حضرت بر فراز ابرہای آسمان با فرشتگان خدا بیاید و بر تخت سلطنت داودی نشیند و با عصای حکمرانی و عظمت و جلال سلیمانی بر آنان فرمانروائی کند و بترویج شرایع و احکام تورات پردازد و تشیید مبانی صلح و سلام فرماید تا

آهنگ بدیع

آنجا که در زمان او گرگ و میش از یک چشمه نوشند
و باز و کبوتر در یک لانه آشیانه کنند .

یحیی تعمید دهند
~~~~~

یحیی تعمید دهند که بنام " یوحنا  
معمدان " نیز نامیده شده پیش از ظهور عیسی  
مسیح یهودیان را به آمدن ملکوت خدا و ظهور  
مسیح موعود مژده میداد . او در حالیکه جامه ای  
از پشم شتر در بر و کمر بندی از چرم بر کمر  
داشت در بیابان یهودیه در کفاره<sup>۱</sup> نهر اردن  
مردم را ندا میداد : " توبه کنید زیرا ملکوت  
آسمان نزدیک است . " ( ۱ ) و آنان را با آب  
تعمید داده و به توبه از گناهان دعوت مینمود  
و از برای دخول در ملکوت و درک ظهور موعود آمده  
و مهینا میساخت . او میگفت من شما را با آب برای  
توبه تعمید میدهم اما آن کس که پس از من آید  
از من تواناتر است و شما را به روح القدس تعمید  
خواهد داد .

سرانجام یحیی تعمید دهند به بدستور " هرود  
آنتی پاس " <sup>(۲)</sup> بزنجان افکنده شد و چندی بعد  
بقتل رسید .

از تولد تا پیامبری  
~~~~~

در زمان " اوگوست " ^(۳) قیصر مقتدر روم
" هرود بزرگ " پادشاه یهودیه حضرت مسیح در
قریه کوچک " بیت لحم " در نزدیکی شهر

" اورشلیم " (بیت المقدس) از مادر خود مریم
متولد گردید .

بنابگفته انجیل مریم نامزد یوسف نجار از اهل
ناصره بود و پیش از آنکه با وی ازدواج کند از
روح القدس باردار گردید . یوسف و مریم هنگام
سرشماری از ناصره به " بیت لحم " رفتند و در
آنجا مریم فرزندش را بدنيا آورد که نام او را " یسوع "
(یا یسوعا یعنی خدا یاری میدهد) گذاردند .

از دوران جوانی حضرت عیسی تا زمان رسالتش
اطلاع زیادی در دست نیست و آنچه مشهور است
این است که آن حضرت پیشه " درودگری " را نزد
یوسف آموخت و پس از مرگ او نیز آن را وسیله امرار
معاش خود و خانواده اش قرار داد . حضرت عیسی
با مور مذهبی علاقه ای نافر داشت و در روزهای " سبت "
و دیگر ایام مقدس یهود به کیسه میرفت و بگفتار
علمای دین و سخنان بزرگان گوش فرا میداد و ملاحظه
مینمود چگونه مضامین کتاب مقدس " تورات " و تعالیم
حضرت " موسی " را علمای یهود بر قوم میخوانند و
تفسیر مینمایند .

حضرت عیسی هنگامیکه آواز " یحیی تعمید دهند "
را شنید پیشه خود را رها کرد و بقصد دیدار او
روانه کرانه رود اردن گردید و از وی خواست که
او را تعمید دهد . در آغاز یحیی به عیسی چنین
گفت : " من احتیاج دارم که از تو تعمید یابم و تو
نزد من می آئی ؟ " (۴) عیسی در پاسخ گفت :

(۱) انجیل متی ۳ - ۲ (۲) Herod Antipas (۳) Augustus (۴) انجیل متی ۳ - ۱۴

آهنگ بدیع

خود بیماران روحانی را شفا بخشید و رنجوران دل و جان را با کلام هستی بخش خویش امیدوار و شادمان ساخت و مردگان ایمان را زندگانی روحانی ارزانی داشت. حضرت عیسی خود را "ماشیه" موعود قوم یهود و فرستاده پدر آسمانی بجهت نجات و رهنمایی خاندان اسرائیل خوانده و فرمود: "فرستاده نشده ام مگر بجهت گوسفندان گمشده" خاندان اسرائیل. (۳)

او احکام "سبت" و "طلاق" و "قصاص" را شکست و خود را مالک آنها بر شعور از این رو آتش رشک و کینه "فریسیان" زبانه کشید و بر مخالفت با او هم بیمان و همدستان شده و دبی وی را آسوده و راحت نگذاشتند و چنان زندگی را بر او سخت گرفتند تا باین گفتار گویا شد: "روایحان راسوراخها و مرغان هوا را آشیانه هاست لیکن پسرانسان را جای سر نهادن نیست." (۴)

با تمام این احوال از روش خویش دست بر نداشت و از هیاهو و غوغای علمای یهود نهراسید و تا پای جان ایستادگی و پایداری کرد و پراهنمائی و هدایت قوم یهود برداخت. زیرا میفرمود:

"پسرانسان نیامد تا مخدم شود بلکه تا خدمت کند و جان خود را در راه بسیاری فدا سازد." (۵)
حضرت عیسی سرانجام پس از سه سال دعوت و نشر تعالیم الهی حقانیت رسالت خویش را با ایثار

"الان بگذار زیرا که ما را همچین مناسب است تا تمام عدالت خود را بکمال رسانیم." (۲) و بطوری که در انجیل مندرج است پس از آنکه آن حضرت از یحیی تعمد گرفت و از نهر اردن بیرون آمد مشاهده کرد که آسمان گشوده شد و روح خدا چون کبوتری نزول کرده و بسوی او می آید. "انگاہ خدایی از آسمان در رسید که ایست پسر حبیب من که از او خوشنودم." (۲) این نشانه اولین تجلی روح القدس بر حضرت مسیح بود.

ظهور حضرت مسیح

در هنگام ظهور حضرت مسیح از شریعت حضرت موسی جزنای باقی نمانده بود زیرا حقیقت آن شریعت الهی از میان رخت برسته و جز رسم و آدابی ظاهری چیز دیگری در بین قوم رائج نبود. اخلاق عمومی به پستی گرائیده و اوضاع و احوال قوم اسرائیل به فساد و تباهی کشیده شده بود و میتوان گفت که موسم زمستان دیانت حضرت موسی فرار رسیده بود.

با ظهور حضرت مسیح بهار روحانی دوباره آغاز شد و آئین الهی حیات جدیدی یافت و روح جدیدی در کالبد افسرده آدمیان دمیده شد حضرت مسیح در سن سی سالگی آغاز به وعظ و ابلاغ کلمه الله نمود و قوم اسرائیل را بسوی ملکوت آسمان دعوت نمود. او با دم مسیحائی و جانبخش

(۱) انجیل متی ۳-۱۵ (۲) انجیل متی ۳-۱۷ (۳) انجیل متی ۱۵-۲۴ (۴) انجیل متی ۸-۱۲ (۵) ۲۸-۲۰

آهنگ بدیسیع

بیلاطس* (۱) خواستند که او را بقتل رسانند .
بیلاطس عمل خلافتی که نمودار ضدیت با حکومت
روم باشد در آن حضرت ندیده بود ولی بر اصرار
اصرار قوم یهود و بجهت حفظ مقام خود بافتوای
قتل آن حضرت موافقت کرده و تسلیم قوم نمود
آنها هم برای تحقیر و توهین تاجی از خار بر سر
حضرت مسیح گذاردند و جامه ای سرخ رنگ
بر او پوشاندند و عصائی از ننی بدستش دادند
بدینگونه آن حضرت را باستهزا* و مسخره گرفته
با نهایت مظلومیت بر صلیب آویختند . و بر روی
صلیبش به سه زبان آرامی یونانی و لاتینی
نوشتند : " عیسی ناصری پادشاه یهودیان "
این واقعه روز جمعه یازدهم نisan مقارن با
عید فصح یهود اتفاق افتاد در حالیکه سی و
سه سال از عمر حضرت مسیح بیشتر نگذشته
بود .

قیام مسیح از زمین مردگان و نزول روح القدس بر
حواریون .

بر طبق مندرجات انجیل متی در اولین
روز پس از یوم " سبت " مریم مجدلیه همراه زن
دیگری بر سر قبر مسیح آمدند اما آنرا خالی
یافتند و در آنجا فرشته ای را دیدند که میگفت
عیسی مسیح برخاسته است . و در حالیکه
آنان میرفتند که خبر قیام مسیح را بدیگران
برسانند در میان راه عیسی مسیح برایشان
ظاهر شد . حضرت مسیح مدت چهل شبانه روز

خون خود به ثبوت رسانید .
یهودیان منتظر آن بودند که مسیح از
آسمان آید اما او را از اهل ناصره یافتند در حالی
که حقیقت و روحی که در وجود آن حضرت نهفته
بود مؤید به تأییدات الهی و آسمانی بود .
حضرت عیسی عصای حکمرانی در دست داشت اما
نه عصائی که قوم یهود در انتظار آن بودند بلکه
عصای امر الهی . او بر سریر سلطنت معنوی داود
تکیه زد و با جلال و حشمت سلیمانی بر اراضی
قلوب آدمیان حکمرانی فرمود . مردمانیکه در گذشته
چون گرگ و میش دشمن یکدیگر و چون ببر و پلنگ
درنده و خونخوار بودند در کمال صلح و آشتی
از چشمه جانبخش تعالیم عیسی نوشیدند و از دم
مسیحائی وی فیض موفور بردند .

شهادت حضرت مسیح

سرانجام بزرگان و علمای یهود بر آن
شدند که آن حضرت چون مخالف شریعت و
شکننده یوم سبت است باید مجازات گردد . باین
جهت شورای عالی یهود با راهنمایی " یهودا
اسخریوطی " که از حواریون حضرت مسیح بود
بکمک سربازان رومی حضرت عیسی را در حالیکه
در کوه زیتون با جمعی از پیروان خود سرگرم
گفتگو بود دستگیر و لو را نزد دو نفر از علمای بزرگ
حاضر ساخته و پس از گفتگو بجرم ادعای " پسر
خدا بودن " که گناهی بزرگ بشمار میرفت به کفیر
متهم و محکوم نموده و از حاکم اورشلیم " پنتیوس

خود را بشاگردانش آشکار نمود و پس از آن با جسم مادی با آسمان صعود فرمود. بنا بگفته " لوقا " نویسنده " کتاب " اعمال رسولان " در روز " پنطیکاست " (پنجاه روز پس از عید فصح و ده روز بعد از صعود مسیح با آسمان) در حالیکه حواریون در یک جا گرد آمده بودند همگی از روح القدس بر گشتند و توانائی آنها یافتند که به زبانهای گوناگون سخن گویند .

کتاب عهد جدید

کتاب عهد جدید مشتمل است بر چهار انجیل شرح اعمال رسولان بخش رساله ها و مکاشفات یوحنا که جمعا بیست و هفت کتاب می باشند . انجیل ها درباره تاریخ زندگانی حضرت مسیح از تولد تا هنگام شهادت کارها و تعالیم آن حضرت سخن میگویند و همگی بزبان یونانی عامیانه و متداول قرن اول میلادی نوشته شده اند . انجیل از کلمه یونانی (انگلیون) بمعنای بشارت و مژده آمده است . قدیمی ترین نسخه هائی که تاکنون بدست آمده مربوط است به قرن سوم میلادی .

انجیل چهارگانه که فعلا در دسترس عموم است منسوب به متی ، مرقس ، لوقا و یوحنا است . بیشتر محققین زمان نگارش انجیل مرقس را بیشتر از انجیل های دیگر بر شمرده و آنها بین سال ۶۰ تا ۷۰ میلادی میدانند . نگارش انجیل متی را محققان بین سال ۸۰ تا ۹۰ میلادی گفته اند و

منظور متی از نگارش آن ایمان آوردن یهودیان است . از این رو بیشتر درباره معجزات حضرت مسیح گفتگو میکند و از تحقق یافتن بشارت کتاب عهد عتیق در خصوص ظهور موعود سخن میگوید .

انجیل لوقا نیز تقریبا هم زمان با انجیل متی نوشته شده و منظور آن دعوت مشرکان به دیانت حضرت عیسی است . انجیل بالا را بسبب یک سان و هم شکل بودن بسیاری از مطالب " انجیل هم نظر " نامیده اند .

چهارمین انجیل که نویسنده آن یوحنا است تقریبا در آخر قرن اول یا آغاز قرن دوم میلادی نوشته شده است . در این انجیل به برخی از وقایع زمان حیات مسیح اشاره شده که در دیگر انجیل از آنها یاد نگردیده است .

کتاب اعمال رسولان متضمن شرح چگونگی کلیسای قدیم در اورشلیم و مجاهدات و خدمات بطرس رسول و خصوصا پولس رسول میباشد . این کتاب توسط لوقا (نویسنده انجیل لوقا) نوشته شده است . او پزشکی یونانی الاصل بود و پس از گرویدن به آئین مسیح مدتها در سفرها با پولس حواری ملازم و همراه بوده است .

بخش رساله ها شامل ۱۳ نامه از طرف پولس رسول با افراد و گروههای مختلف است . یک رساله خطاب به عبرانیان (نویسنده آن نامعلوم است) .

یک رساله منسوب به یعقوب برادر حضرت

آهنگ بدیع

باره کرد و به آنان داد و فرمود: " بخورید این است بدن من" (۱) و نیز پیاله شراب را بدست گرفت و فرمود: " همه شما از این بنوشید زیرا که این است خون من در عهد جدید که در راه بسیاری بجهت آموزش گناهان ریخته میشود." (۲)

این آئین با آداب و رسوم مخصوص در کلیسا بیاد بود آخرین شب حیات حضرت مسیح و آخرین شامی که آن حضرت با حواریون صرف کرده است انجام می پذیرد. آنانکه این آئین را انجام میدهند خود را در جسم و خون مسیح شرکت میدهند و این برتر وحدت و یگانگی در میان مسیحیان است.

مراسم عشاء ربانی را مسیحیان بجهت شکرگزاری مواهب و عنایات خداوندی و برای دعا بدرگاه الهی میدانند.

۳ - تأیید - آئین تأیید بجمارت دیگر آئین دست گذاری و تدهین شخص بوسیله اسقف است و بدین ترتیب ورود او را رسماً به کلیسا تصدیق و تأیید مینماید.

۴ - اعتراف - آئین اعتراف یعنی اقرار بگناه در نزد کشیش. کلیسای کاتولیک معتقد است که بخشش گناه جز به یفوسیله امکان پذیر نمیشود و بر آن است که کشیش این اختیار را دارد که شخصاً گناه گناهکار را ببخشد. اما کلیسای شرقی یا ارتدکس معتقد است که کشیش این

مسیح است.

دو رساله منسوب به پطرس رسول است. سه رساله از آن یوحنا حواری است (نویسنده انجیل یوحنا).

یک رساله توسط یهودا نوشته شده است. آخرین کتاب مکاشفات یوحنا است که مشتمل بر رؤیا و پیشگوئیهای وی از امور آینده است.

آداب و شمائر مسیحیان

اعمال و آداب مقدس مسیحیان عبارتند از:
۱ - تعمید ۲ - عشاء ربانی ۳ - تأیید ۴ - اعتراف
۵ - آخرین تدهین ۶ - ازدواج ۷ - دست گذاری
کلیسای کاتولیک و ارتدکس هفت آئین بالا را مقدس میدانند در صورتیکه پروتستانها دو آئین تعمید و عشاء ربانی را مقدس می‌شمرند.

شمائر سبعة در شورای " تری ینت" (Trient)
(۱۵۶۳ - ۱۵۴۵ م) بعنوان عقاید مسلم کلیسا
(Dogma) اعلان گردید.

۱ - آئین "تعمید" را برای پذیرش در کلیسای مسیح لازم و ضروری میدانند و آنرا مهمترین آئینهای هفتگانه دانسته اند و عقیده دارند این آئین باب حیات روحانی است بوی نجات و رستگاری
۲ - عشاء ربانی - شام خداوند آئین محراب - حضرت مسیح در شب پیش از شهادت هنگامیکه با حواریون برسم یهود مشغول خوردن شام عید فصح بودند نان را برداشت و برکت داد و

حق و اختیار رانداشته و فقط میتوانند برای بزهکار طلب عفو و بخشش نماید .

۵- آخرین تدهین - آئین آخرین تدهین این است که کشیش با شست آغشته بسه روغن مقدس روی اعضای مختلف بدن شخص در حال مرگ علامت صلیب رسم میکند .

۶- ازدواج - آئین ازدواج در میان همه مسیحیان محترم و ارزنده است اما طبق عقیده کلیسای کاتولیک و ارتدکس آئین ازدواج - مقام و مرتبه تقدیس را دارا میباشد . مقدس بودن آئین ازدواج را شورای دوم " لاتران " (Lateran) سال ۱۱۳۹ م رسماً اعلام کرد .
۷- دست گذاری - آئین دست گذاری برای خادمین کلیسا است . بوسیله این آئین کلیسا تضرع و صلاحیت را به خدامان خود میدهد که آنان مراسم عبادت را رسماً در محل مأموریت خویش بجا آورند دیگران را تعلیم دهند و اداره امور روحانی آنان را بعهده گیرند .

اقانیم ثلاثه

اعتقاد به اقانیم (۱) ثلاثه یا تثلیث پایه حکمت الهی و خداشناسی مسیحیان و در عین حال پایه اختلافات و گفتگوهای بسیاری در میان آنان گردیده است .
با اینکه مسیحیان به وحدانیت خداوند معتقدند و عقیده یکتا پرستی عهد عتیق را در عهد جدید

هی پذیرند اما از طرف دیگر بر آنند که در عهد جدید بطور اسرار آمیزی از سه وجود و شخصیت مختلف یاد شده که عبارتند از اب و روح القدس که باقانیم ثلاثه معروفند . آنان میگویند در عین اینکه ذات خداوند واحد است ولی در سه وجود و شخصیت متجلی و ظاهر . آنان تثلیث را رمز الوهیت دانسته و درک آنرا برای هیچکس امکان پذیر نبی دانند .

کلیسای کاتولیک معتقد است که این اقانیم ثلاثه پدر - پسر و روح القدس ذاتاً و مقاماً برابرند و همه چیز را از : مشیت - قدرت علم - نیروی اعجاز و توانائی شفا دادن و حیات بخشیدن بطور تساوی دارا هستند و هر سه اقنوم را خدا میدانند اما هر کدام به کیفیتی جداگانه و میگویند پدر مبداء و سرچشمه است از جانب او پسر فرستاده میشود و روح القدس ناشی میگردد . پسر از جانب پدر میآید و بسویش بازگشت میکند . او روح - القدس را از سوی پدر میفرستد . روح القدس از طرف پدر پسر هر دو صادر میشود و رابطه و واسطه میان آن دو میباشد .

در مورد تثلیث میان کلیسای کاتولیک و ارتدکس این اختلاف موجود است که کلیسای کاتولیک روح القدس را ناشی از پدر و پسر بطور مساوی میداند در حالیکه کلیسای ارتدکس فقط آنرا صادر از پدر می شمرد و بر آن است که کلیسای

(۱) اقنوم کلمه ایست معرب و ریشه آن در زبان آرامی " قنوما " بمعنای شخص - اصل و ریشه هر چیزی میباشد .

آهنگ بدیسیح

کاتولیک با قبول عقیده* بالا مکر ازلیت و قدمت بسی
آغاز خداوند پدر میباشد .

مذاهب در دیانت مسیح

~~~~~

مذهب کاتولیک (۱) - بیروان این مذهب

معتقدند که بطرس جانشین حضرت مسیح است  
از آن رو که آن حضرت با او فرمود: "توئی بطرس  
و بر این صخره کلیسای خود را بنا میکنم و ابواب  
جهنم بر آن استیلا نخواهد یافت و کلیدهای ملکوت  
آسمان را بتو میسپارم و آنچه بر زمین ببندی در آسمان  
بسته گردد و آنچه در زمین گشائی در آسمان گشاده  
شود." (۲) همچنین او را نخستین اسقف شهر  
رم دانسته و بر طبق بیان بالا وی را مدیر و راهبر  
کلیسا و دارنده\* قدرت حل و فصل امور کلیسای  
مسیح محسوب میدارند .

بنابراین همان قدرت و اختیار را برای اسقفان شهر  
رم که پس از بطرس آمده اند قائل هستند . آنان  
برآنند که پاپ جانشین واقعی حضرت مسیح و  
رئیس کلیسا و پدر و معلم همه\* مسیحیان است .  
زیرا که آن حضرت این قدرت را به بطرس رسول  
عنایت فرموده تا کلیسا را شبانی کند و اداره نماید  
و بر آن حکومت کند .

عصمت پاپ ها و مقدس بودن آنان از هر گناه و  
لغزش از طرف شورای واتیکان بسال ۱۸۷۰ میلادی  
(در زمان پاپ پی نهم که لوح "پاپا" از قلم اعلی  
خطاب باوست) اعلان گردید و جزو عقاید مسلم

(Dogma) محسوب گردید .

کلیسای کاتولیک برای مریم مادر حضرت عیسی نیز  
مقامی بس ارجمند قائل است و او را مقدس و از هر گناه  
و ناپاکی دور و برکنار میداند و پرستش او را لازم و  
ضرور دانسته و چون مسیح وی را واسطه\* میان  
خالق و مخلوق می شمرد .

پاپ پی دوازدهم بسال ۱۹۵۰ میلادی عقیده  
مسلم "صمود جسمانی مریم" را رسماً ابراز داشت .  
در مذهب کاتولیک روحانیون از ازدواج محرومند .

مذهب ارتدکس (۳) - بسال ۱۰۵۴ میلادی

کلیسای مسیح رسماً و آشکارا بدو کلیسای کاتولیک  
رومی و ارتدکس یونانی تقسیم گردید . محققان  
آغاز اختلاف و تقسیم کلیسا را به شرقی و غربی  
در قرن پنجم میلادی میدانند .

در هنگامیکه پاپ "لئو" اسقف شهر رم مرکز کلیسای  
غربی خود را برتر و بالاتر از دیگر اسقفها میدانست -  
اسقفان کلیساهای شرقی بخصوص اسقف شهر  
قسطنطنیه باین برتری تن در نداده و خود را  
مستقل میدانستند تا اینکه در سال ۱۰۵۴ میلادی  
بسبب اختلاف عقیده در مورد چگونگی صدور اقنوم  
سوم یعنی "روح القدس" کاملاً از یکدیگر جدا  
شدند .

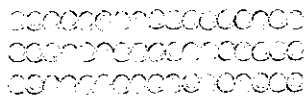
کشیش ها در مذهب ارتدکس اجازه\* زنا شوئی را  
دارند . اما اسقفان بزرگ که "پتریارخ" (۴) نامیده  
میشوند از ازدواج منعند .

بیروان این مذهب مقاماتی را که کاتولیک ها به مریم

(۱) به لغت یونانی بمعنای جامع و عمومی است (۲) انجیل متی ۱۶ - ۱۸ و ۱۹ (۳) در لغت یونانی بمعنای درست و صحیح آمده است . (۴) Patriarch در لغت یونانی بمعنای رئیس لائفه - پدر خانواده آمده است

## آهنگ بدیع

کلیسای کاتولیک و پروتستان است .  
از اقدامات مهم لوتر ترجمه کتاب مقدس برای  
نخستین بار بزبان آلمانی بود .  
سرانجام لوتر در سال ۱۵۴۶ میلادی درگذشت  
و در معبد " ویتن برگ " بخاک سپرده شد .  
پس از مرگ مارتین لوتر نهضت " پروتستان " دامنه اش  
روز بروز گسترش یافت و بر عده پیروان آن افزوده  
گشت و در عین حال بیک شکل باقی نماند و کم کم  
به فرقی گوناگون تقسیم گردید .



چرا از مداخله در ... (بقیه از صفحه ۳۰۷)

به نصوص و آثار مبارکه مصالح عمومی جامعه بشری  
و اجرا و تنفیذ احکام و فرائض منصوصه را مقدم  
شمرده و هرگز تعالیم و مبادی اساسیه ایمن  
ظهور مبارک و بذل مجاهدت در سبیل تحقیق  
اهداف مقدسه آنرا فدای مقاصد محدود و خصوصی  
احزاب و دستجات سیاسی نخواهد کرد .

مادر مسیح نسبت میدهند نمی پذیرند و فقط از این  
رو که وی مادر حضرت عیسی است باو احترام میگذارند  
مذهب پروتستان (۱) - همزمان با تجدید  
حیات علم و فرهنگ و هنر ( رنسانس ) در اروپا  
تحولاتی نیز در آئین مسیح بدیدار گردید و نفوسی  
که اوضاع کلیسا و دستگاه مقتدر پاپ را مغایر  
با روح تعالیم مسیح میدیدند بجهت اصلاح آن  
قد بر افراشتند اما مخالفت " لوتر " از همه شدیدتر  
و طرفداران بیشتری پیدا کرد . لوتر از اعمال  
و رفتار پاپ و کشیشان چندان راضی و خشنود نبود  
و کلیسای مسیح را نیازمند تحول و اصلاح میدید تا  
آنکه قضیه اوراق بخشودگی که پاپ برای تأمین  
هزینه ساختمان گنبد کلیسای " سن پتر " بخش  
کرده بود بمیان آمد . در این هنگام که او ایمن  
امر را ضایعه بزرگی برای کلیسای مسیح میدانست  
بر آن شد که بر علیه این اوضاع و احوال ناگوار  
که آئین مسیح را در برگرفته بود قیام نماید . از  
این رو بسال ۱۵۱۷ میلادی نظرات خود را در ۹۵  
ماده نگاشت و بر کلیسای " ویتن برگ " نصب کرد .  
در سال ۱۵۲۰ میلادی پاپ اعظم  
" مارتین لوتر " را تکفیر و محکوم نمود . لوتر پس  
از دریافت فرمان پاپ آنرا در میدان شهر  
" ویتن برگ " در آتش سوزانید و بدینگونه آشکارا  
رابطه خود را با پاپ و کلیسای کاتولیک قطع  
کرد . و این زمان آغاز جدائی و انفصال میان

(۱) بمعنی معترض است .



امرالله در آسیا میشد و مشاورات مفیده در باره پیشرفت مصالح امریه و اجرای نقشه جلیله نه ساله بعمل آمد و با آشنائی که بین حضرات معاونین ایادی امرالله حاصل شد و تبادل آراء و عقایدی که انجام گردید امید است نتایج مفیده حاصل گردد و نظایر این انجمن در آینده نیز تکرار شود. "ایشان اولین بار بود که بایران مسافرت میکردند. سوآل شد در این سفر ایران را چگونه یافتید؟ جواب دادند: "من از سالها پیش بوسیله کتب و نشریات با ایران و زبان فارسی آشنا بودم ولی در این سفر ایران را خیلی بهتر از آنچه فکر میکردم یافتم و ملاحظه کردم که این کشور بسرعت در شاهراه ترقی پیش میرود این کشور در نظر ما اهل بهاء بواسطه اینکه (موطن جمالیمارک) است مقدس و مسورد احترام و تکریم است و در آثار الهیه (مهد امرالله) نامیده شده و با خصوصیات و برکاتی که خداوند متعال باین سرزمین عنایت فرموده ممتاز است مخصوصا طهران (ارض طاه) که جمال اقدس ابهی آنرا (مطلع فرج عالمیان) نامیده اند و همچنین مدینه منوره شیراز که بواسطه ارتفاع ندای امر الهی از آنجا مورد توجه عموم احبای جهان است. بلوریکه میدانید در آثار و الواح الهیه اظهار عنایات فراوانی در باره ایران و - آینده پر شکوه و جلال آن شده است حدیثی که از حضرت رسول اکرم (ص) نقل شده است که میفرماید (لوکان العلم مطلقا بالثریا لنا وله (بقیه در صفحه ۳۲۸)

هند و پاکستان برعهده داشته یکی از بایسته گذاران اولیه آنها در این دو کشور پهناور بشمار میروند. تاریخ حیات جناب علمی با تاریخچه مطبوعات امری هند و پاکستان همراه است و این دورا نمیتوان از هم تفکیک نمود.

جناب علمی در این مدت با نشریات مختلفه هند و پاکستان از قبیل مجلات "کوکب هند - بهائی مگازین - پیامبر - البشاره" از نظر تحریر و تنظیم مقالات همکاری مستمر داشته و اینک نیز بسمت مدیر و ناشر مجله ماهانه "بهائی مگزین" که تحت نظر محفل مقدس روحانی ملی بهائیان پاکستان در لاهور بسه زبان فارسی وارد و - انگلیسی منتشر میشود بخدمات مهمه قائم میباشند جناب اسفند یار بختیاری عضو محترم هیئت معاونت ایادی امرالله در آسیا در تهیه و تنظیم قسمت فارسی آن با جناب علمی همکاری مینمایند. جناب علمی دارای تألیفات دیگری نیز میباشند که بصورت جزوات کوچک بزبان اردو در باره تعالیم مبارکه منتشر شده و مورد استفاد و تحریبان حقیقت در پاکستان و هندوستان قرار گرفته و میگیرد. اهم این آثار عبارتند از "مسئله قیامت" - "رسالت الهیه" - "اتحاد مذاهب" در ملاقاتی که با این فاضل جلیل دست داد از ایشان در باره مجمع معاونین ایادی امرالله در آسیا که چندی قبل در طهران انعقاد یافته بود سوآل شد. جواب دادند: "این اولین مجمعی بود که با حضور معاونین ایادی



## انجمن دوستان

هیئت تحریریه "آهنگ بدیع" هیچگاه خود را از کمک و راهنمایی فکری همکاران خود بی نیاز ندانسته و همواره کوشیده است بطرق مختلفه از نظرات اهل فن برای بهبود کمی و کیفی این نشریه آگاه شود و آنها را بکاربندد. با توجه باین اصل اساسی هرچندگاه یکبار به تشکیل انجمنی از نویسندگان شعرا و مترجمان که از همکاران نزدیک این نشریه محسوب میشوند مبادرت میگردد تا از نزدیک به آراء و انتقادات آنان اطلاع حاصل گردد و از آنها برای رفع نواقص این نشریه استفاده شود.

در تاریخ ۳۰ مهرماه در چنین مجمعی که بدعوت هیئت تحریریه آهنگ بدیع تشکیل شد توفیق دیدار جمعی از همکاران نصیب اعضای این هیئت گردید.

علاوه بر مترجمان، نویسندگان و شعرا جمعی از اعضای لجنه مجله ملی تصویب تألیفات امری و لجنه مجله ملی نشر آثار امری و مؤسسه ملی مطبوعات امری و کمیسیون محترم نوجوانان که همه از یاران و یاوران این هیئت میباشند در این جلسه حضور داشتند.





پس از تلاوت مناجات ابتدا ناظم هیئت طی بیانات کوتاهی منظور از تشکیل جلسه را که آشنائی بیشتر بادستان و همکاران و استفاده از آراء صائبه و نظریات دقیقه آنان و همچنین طلب استعانت و کمک قلبی و فکری بود بیان کردند و نیز رابرت مختصری از خدمات هیئت و موفقیت‌هایی که در راه تهیه و تکثیر آهنگ بدیع بدست آمده بیان نمودند . سپس چند نفر از شعرا و نویسندگان و مترجمان و دوستان در باره مواضع مختلفی که مستقیم و غیرمستقیم با خدمات هیئت تحریریه ارتباط و بستگی داشت بیانات بسوطی ایراد نمودند که برای طرح و بحث در جلسات هیئت یادداشت گردید .

بهنگام تنفس اوراقی بین حضار تقسیم شده که در آن از همکاران تقاضای همکاری بیشتر و ارسال مقاله و شعر و ترجمه شده بود . در خارج از جلسه نمایشگاه کوچکی از بعضی از شماره های منتشره آهنگ بدیع دائر شده بود که مورد توجه قرار گرفت . جلسه پس از پذیرائی گرمی که از طرف میزبانان محترم (جناب امیرعزیزی و خانم محترمه علیهما بها، الله) بعمل آمد پایان یافت .

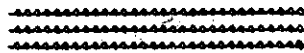
\* \* \* \*

هیئت تحریریه آهنگ بدیع امیدوار است هرچندگاه یکبار موفق به تشکیل چنین احتفالاتی گردد و بتواند از آراء و نظرات گرانبهای همکاران قلبی خود مطلع شود و با جلب همکاری بیشتر اهل قلم بتواند گامی در راه بهبود کمی و کیفی این نشریه فراتر نهد . در این جلسه عکسهای جالبی توسط همکارگرای جناب مهدی صمیعی علیه بها، الله گرفته شد که با ابراز تشکر از ایشان در این شماره بنظر خوانندگان عزیز میرسد .

رجال من فارس) نیز دلیل بر شأن و مقام ایران و ایرانیان است. در این سفر موفق شدم باتفاق جناب بختیاری بزیارت بیت الله الاکرم شیراز که سالها آرزوی آنرا داشتم نائل شوم و در اصفهان آثار خطی حضرت بهاء الله و حضرت اعلی ارواحنا لهما الفداء را زیارت کردم که در هند و پاکستان بدانها دسترسی نداشتم. یکی از مسائلی که در سفر ایران نظر جناب علمی را بخود جلب کرده بود وجود کتب مختلفه امریه بود. در این باره گفتند: "در این سفر بسیاری از آثار امری را که اخیرا در ایران تهیه شده ملاحظه کردم و امیدوارم موه سسه محترم ملی مطبوعات امری بیش از پیش موفق باشد".

در باره "آهنگ بدیع" گفتند من سالهاست که با "آهنگ بدیع" و مقالات جالبی که در آن درج میشود آشنائی دارم و بعضی از آنها را در مجلات امری هند و پاکستان نقل کرده ام و امیدوارم روز بروز چه از نظر شکل ظاهری و چه از لحاظ نوع مقالات و مطالب بهتر و جالبتر شود.

جناب محفوظ الحق علمی در پایان سخنان خود گفتند: "احبای عزیز ایران میتوانند برای شرکت در نقشه نه ساله به نقاط هند و پاکستان مهاجرت کنند. مخصوصا جوانان عزیز میتوانند در دانشگاههای مختلفه این دو کشور مشغول تحصیلات عالی شوند که هم کسب علم کنند و هم در نقشه منیعه نه ساله شرکت نمایند. در هند و پاکستان میدان خدمت و تبلیغ وسیع و تشکیل جلسات و کنفرانسها و تحریر و انتشار کتب و نشریات بر راحتی مقدور است. احبای الهی خصوصا جوانان عزیز که دارای گنجینه های سرشار از معلومات امری و غیر امری هستند بخوبی و با آسانی میتوانند به پاکستان و هند برای خدمت مسافرت نمایند. من دوستی ایران و پاکستان را بفال نیک میگیرم و امیدوارم روز بروز این دو ملت همسایه و دوست بر مراتب محبت و دوستی و برادری خود بیافزایند و برای ما احبای الهی که مبلغین و مبشرین دوستی و یگانگی و اخوت بین عموم هستیم از این بهتر چه میتواند باشد؟



#### خاطراتی از سفر ایران (بقیه از صفحه ۳۰۹)

مقدمه نقشه های جهانی است که توسط بیت العدل اعظم طرح خواهد شد. ما مطمئن هستیم نتیجه بسیار عالی و عظیم است و جنود تائید منتظر اقدامات شجاعانه احبای. من اطمینان کامل دارم که بار دیگر احبای چنان عاشقانه قیام و اقدام خواهند نمود و چنان با سرعت و استقامت پیشرفت خواهند کرد که چشم جهانیان از نتایج سریع اقداماتشان در تحقق نقشه مزبور خیره خواهد ماند. هنر نوع مساعدت و محاضرتی از طرف یا ران جهت اجرای اهداف این نقشه الهی مورت تائیدات ملکوتی لاتحصى برای خود و یاران و منتسبین و موطنشان خواهد بود.



شرح عكس

ایستاده از راست بچپ

جناب ملا بهرام اختر خاوری - جناب غلامحسین کیوان - جناب  
لطف الله امین امین - جناب مهدی امین امین - خانم فروغ  
امین امین - جناب محسن امین امین - جناب جمشید امین  
امین - جناب جمشید کوچک زاده - جناب حاج غلامرضا امین  
امین .

نفر وسط ایستاده

جناب امیرامین امین

نشسته

جناب حاج ابوالحسن امین

# قیامت نوجوانان

## مطالبین قسمت

آثار مبارکہ . اصل تقایمان بہ آیات الہیہت  
نیایش . قطعی از صباچ ہایت . سابقہ  
افسوس کہ ..... پیچ سفر خطر . ترجمہ  
خاطرات زائرین . چہرہ موفق . اطلاع

## مطالبین قسمت

آثار مبارکہ . اصل تقایمان بہ آیات الہیہت  
نیایش . قطعی از صباچ ہایت . سابقہ  
افسوس کہ ..... پیچ سفر خطر . ترجمہ  
خاطرات زائرین . چہرہ موفق . اطلاع

حضرت بہا اللہ می فرماید:  
ای مردمان گفتار را کردار باید چه کہ گواہ راستی گفتار کردار است  
و آن بی این شنکان را سیراب نماید و گور از اورمای بیانی نماند.

حضرت بہا اللہ می فرماید:  
سبب حزن مشوید تا چه رسد بفساد و نزاع. امید بست در ظل سدر  
عنایت الہی تربیت شوید و بہا ارادہ آتہ عامل گردید ہمہ اوراق یک شجرید و طربای

حضرت بہا اللہ می فرماید:  
حاصل علوم و فنون از بہر میل جائز و لکن علمی کہ نافع است سبب  
و علت ترقی عباد است

حضرت بہا اللہ می فرماید:  
الراہل ارض فی الجملہ کفر کنند اورا کہ میانند کہ مصدحت کل  
ظاہر او باطناً توجہ بحقی جلالتہ بودہ و بہت

# میفرماید :

## در مومن به صرف ایمان نیست

### کیوان بهی زار

برای همه ماییش آمده که چشم بدوزیم و نبینیم . گوش فرادهم و نشنویم .  
من بارها به آن تالار بزرگ که مملو از قفسه های پر از کتاب با اشکال الوان و مطالب متنوع است قدم گذاشته ام .  
به قفسه های پر از کتاب و به مردی که روی صند لیها می نشینند و ساعتها به خطوط یک کتاب چشم میدوزند نگساه  
کردم ام ولی هرگز آنچه را که آن روز دیدم و فهمیدم متوجه نشده بودم . آنروز محیط کتابخانه ، سکوت و آرامش  
آن قفسه های سرتاسری و بلندی که تا سقف میرسید و وجود یک یک کتابها و مردی را که در آن جا بودند حسس  
میکردم . آنروز وقتی از در وارد شدم بنظرم رسید که قدم به دنیائی تازه و عجیب گذاشته ام دنیائی که مرگ در  
آن راه ندارد همه زنده هستند و مردم مختلف از قرنهای پیش در آن زندگی میکنند .

همچنان که بادقت به کتابها نگاه میکردم بزرگان جهان ، فلاسفه ، مورخین ، جهانگردان ،  
سیاستمداران ، شعرا و نویسندگان را میدیدم که زنده و گویا در مقابلم ایستاده اند و با کشاده روی آنها را که به  
ملاقاتشان آمده اند خوش آمد میگویند و به صحبت و گفتگوی با خود دعوت مینمایند . از آن همه تبختر و تکبری که  
در خیال برای این شخصیتهای بزرگ و قابل احترام تصور میکردم خبری نبود ، هر کدام در نهایت تواضع و خلوص  
بدون در نظر گرفتن شخصیت و مقام و میزان دانائی و فهم طرف آنچه را که در گنجینه مغز داشت عرضه میداشت  
بنظرم میرسید که هر کتاب آینه ای شده و حاصل عمری تجربه و صرف وقت و زندگی را مینمایاند . بخود گفتم :

"چقدر دوست صمیمی یکرنگ ، چقدر عالم و مطلع ، چه دنیای عجیبی است . نمیتوانستم تصمیم  
بگیرم که اول از چه کسی شروع کنم و اول با کدام یک از ایشان دوست شوم و سر صحبت را با چه کسی باز کنم .  
البته بهتر بود اول یکی از همه عاقلتر و موفق تر را انتخاب کنم و سپس باراهنمائی و نظر او بسراغ سایرین بسروم  
درست است که اینها همه اشخاص بزرگ و مشهوری هستند و هر کدام سهمی در نجات عالم از گرداب نادانسی  
و جهل داشته اند و همگی برای کشف حقیقت کوشیده اند و هر کدام عمری را در این طریق صرف کرده اند ولی چه  
کسی میداند که کدامیک از ایشان واقعا به حقیقت رسیده است و مقصود را دریافته و کدامیک راه خطا رفته و از آن  
محروم مانده است؟ مگر نه اینکه اینها همه انسانند و انسان هم جایز الخطاست؟ آیا این صحیح است که من هم  
بر اثر اقدام ایشان و همان راههایی که آنها رفته اند و خدا امید اند به کجا منتهی میشود قدم بردارم و عمر گرانبهارا  
همچنان در این جستجوی بی فرجام بسر آورم؟ یک لحظه بر آن شدم که تردید را کنار بگذارم و از ابتدا و از اولیسن  
کتاب شروع کنم و با هر کدام ساعتی گفتگو نمایم و سپس با مشورت و کمک عقل خود آن راه را که از همه عاقلانه تر است



## آهنگ بدیع

برگزینم . لکن خیلی زود متوجه شدم که عمر در ورزیه کفاف این محکم کاربهارانمیدهد و تلف کردن زندگی در بیداری کردن راهی برای زندگی اصل را فدای فرع کردن است .

خسته و درمانده چون تشنه ای که لب دریائی نشسته و در هر حال خود را اسپرمرگ می بیند چشم به آن دریای موج تجربه و علم دوخته بودم . کدام يك صحيح است؟ بکام این در یارفتن و در آن غرق شدن و یا بر لب آن نشستن و از حسرت و تشنگی مردن ؟

هر لحظه نگاهم از کتابی به کتاب دیگر میگذشت مثل اینکه میخواستم هر کتاب را بایک نگاه و در يك لحظه بخوانم و آنرا بکناری بگذارم . اما نه این خیلی بی رحمی و ظلم بود که حاصل عمری زحمت رنج و تجربه را بایک نظر دیدن سنجید بکناری می نهادم . در بین این کتب چه بسا دوستان صمیمی و مطلقه ای که يك کلمه حرف ایشان دری از جهانی نو بروی انسان بگشاید . بی اراده گفتم "بس خدای من چه باید کرد؟ از چه کسی باید پرسید؟ بس کو آن دلیل راه؟ از یاد خدا انوری در دلم تابید . فکر کردم چه خوب بود اگر میشد خدا را دید و با او مشورت کرد او از همه بهتر میداند . بله خدا از همه بهتر میداند . ولی بعد از این فکر خنده ام گرفت . خدا را کجا پیدا کنم؟ کجا هست؟ باز به کتابها نظاره کردم . در دل گفتم "چه خوب بود خدا هم کتابی داشت و بابتندگانش حرف میزد و با هر کلمه رمز موفقیت و راه نجات و طریق سعادت را به انسان نشان میداد . آنوقت همه ما میتوانستیم در آینه کلمات حق او را بوضوح ببینیم و بشناسیم و از او کمک بگیریم . و حقیقت را پیدا کنیم . مگر نه اینکه خود او میفرماید : " ای مؤمن بالله اصل لقا" ایمان به آیات الهیه است"؟

در میان کتابها نگاهم به دنبال کتاب خدا بود . یکمرتبه بیادم آمد که در خانه خودم چنین کتابی هست اما چرا تا بحال متوجه نشده بودم . نگاه کرده بودم و ندیده بودم گوشم باز بود ولی هیچ چیزی نشنیده بودم . اغلب ما همین طور هستیم به فرموده حضرت عبدالبها :  
" ملکوت وجود در حرکت است و عرصه شهود در نهایت لطافت و طراوت ولی چشمها کور است و گوشها محروم ."

بسرعت از کتابخانه بیرون آمدم . هوا کاملاً روشن بود . آفتاب در نهایت زیبایی و درخشندگی در وسط آسمان میدرخشید و سهم جان نور و گرمی میداد . همه چیز واضح و روشن بود . در روز انسان چشمان همه جارامی بیند و راه خود را پیدا میکند . در نور آفتاب همه چیز قیافه حقیقی خود را نشان میدهد . خوب و بد از هم مشخص است راه از چاه معلوم است . هر کس از گوشه انزوا بدر آید يك نظر به آسمان بیفکند آفتاب حقیقت را در اشد اشراق و نهایت کمال خواهد دید . بیاد آوردم که مدتهاست شب فراق بیایان رسیده و صبح وصال ندیده . مردم را دیدم که دسته دسته بیدار میشدند و سرازویه غفلت و تاریکی بدر میآوردند . خوشحالی سرور و شگفتگی آنها از دیدن آفتاب شعفی در دلم بوجود آورد . بر غفلت خویش خنده ام گرفت زیرا که در دامان آفتاب چشم به جهان گشوده بودم و از ارزشش غافل بودم . فراموش کرده بودم که هنوز جمعی از حسرتش افسرده اند و از فیض محروم . عمرها در طلبش میدوند سالها تشنگی را به امید يك قطره از چشمه لقایش تحمل میکنند و نمی بینند و نمی شنوند که خود او میگوید :

" ای مؤمن بالله اصل لقا" ایمان به آیات الهیه است "

حضرت بها" الله میفرماید :

" فضل حق را کراتی نه و عنایتش را انتهای نه از برای دوستان بعد از قطع اسباب قرب و وصال اسباب دیگر مقدر فرمود و آن را نام قلم و مداد نمود لک الحمد فی کل الاحوال ."

ای مزدا

تومارا آموزگار منش نیک باش ...

ای مزدا

..... آرزو دارم که همه گمراهان به منش نیک پیوندند ...

ای مزدا

..... ما خواستاریم که اندیشه و گفتار و کرداری که تو بد آنها زندگی

جاودانی و جهان راستی و کشورستانی ارزانی خواهی داشت بمابخشی ...

« اوستا - گانها »

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ مَالِكِ  
يَوْمِ الدِّينِ اِيَّاكَ نَعْبُدُ وَايَّاكَ نَسْتَعِينُ اِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ  
صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ .

(قرآن)

\*\*\*\*\*  
\*\*\*\*\*  
\*\*\*\*\*

جناب آخوند ملا عبد الغنی اردکانی از اکابر مبلغین یزد است .

مردی بسیار مزاح و شوخ و در عین حال خیلی متقی و پاکدامن بوده است .  
جناب آخوند در اواخر ایام خود عریضه ئی مزاح آمیز به ساحت اقدس حضرت  
عبد البهاء نوشت که خداوند گارامن میخواهم در دنیا حسابم را بانو صاف کنم  
و مفاصا بگیرم تا در آخرت مرا به دیوان محاسبات نفرستی و بیای حساب نکشی  
و صورت حسابی که من تنظیم کرده ام این است که تو هر دو ستور العملی که  
دادی من بکار نبستم و من هم هر حاجتی که داشتم تو روان کردی پس از این  
بابت حساب ما تفریح شد دیگر اینکه در فردای قیامت بر من منت نگذاری که  
بگوئی ترا روزی دادم و حق را ز قیامت برگردن تو دارم زیرا من تا حالا دینساری  
از مال تو خرج نکردم و هر چه خوردم مال احبائه و بندگانت بوده پس از  
این جهت هم دینی بتو ندارم و از قرار مسموع این لوح مبارک در جواب  
همان عریضه اش نازل گردید :

هو الله

بند ه \* ثابت و صادق جمال ذوالجلال اگر بدانی که در ساط میثاق چقدر عزیزی البته از شدت فرح بیرون آری و بسرواز  
نمائی و نغمه و آواز آغاز کنی و به رازونیا زبرد آری و فریاد و شهنار طوی تم طوی لی بگوش جهانیان رسانی . ع ع

# مسابقه

بحکم قرعه بد و نغرا از کسانیکه بمشوات زیر جواب صحیح بد هند جایزه تعلق  
خواهد گرفت :

- ۱ - حضرت عبد البها\* در چه سنی و برای چه مقصودی با امریکا سفر نمودند؟
- ۲ - حضرت بها\* الله چند سال در کوههای سلیمانیه بسر بردند؟
- ۳ - طبقات وراثت را در دیانت بهائی نام ببرید .
- ۴ - کتاب فرائد در جواب ایرادات چه کسی به رشته تحریر درآمده است؟
- ۵ - انتخاب اعضای بیت العدل اعظم شامل چه مراحل است؟



آب

روزی آب و آتش و آبرو گرد هم نشسته و دوستانه سخن میگفتند  
از آب پرسیدند که ای رفیق شفیق اگر ترفتی چگونه ترا  
بیبایم؟

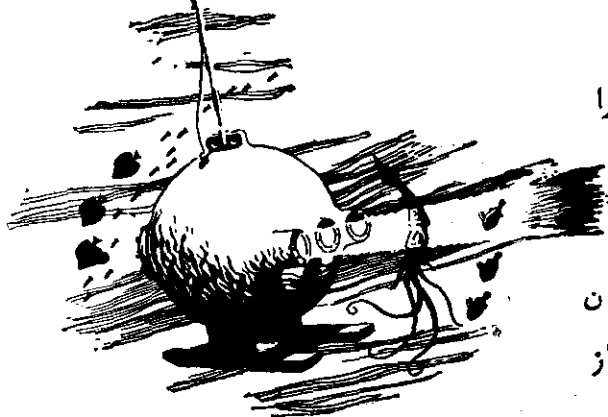
آب گفت: نشانی من آسان است هر کجا که آبخاری دیدید  
یا درختان سرسبزی بنظرتان آمد و یا اینکه رودخانه و  
دریائی مشاهده کردید بدانید که من همانجا هستم .  
از آتش پرسیدند ترا در کجا میتوان یافت؟

گفت: هر جا که حرارت یا روشنائی احساس کردید یا ناله  
دل مظلومین راشنیدید یا حریق دیدید من آن هستم .  
از آبرو پرسیدند که اگر ترفتی چگونه ترا بیبایم؟  
آبرو جواب داد که:

ای یاران مهربان افسوس که اگر من بروم دیگر بر  
تعی کردم نابود میشوم و نشانی از من باقی نمی ماند .

کتاب مورد بحث این شماره داستان پنج سفر بر خطر علمی است و مساز  
هرد استان قطعه ای انتخاب کرده ایم تا خوانندگان عزیز با نمونه ای  
از مطالب آن آشنا شوند .

نام - پنج سفر بر خطر علمی  
مؤلف - ریچارد هولدن  
مترجم - هوشمند فتح اعظم



### سفری به ته دریا

وقتی که انسان قدیم لب ساحل ایستاد و دریا را نگریست آن را  
جز آب که مینمود چیزی ندید .  
بهن دشتی از آب کبود و خاکستری .  
امروز مامیدانیم که بهنای دریا را چنین آسان بیان نمیتوان  
کرد زیرا که دریا خود جهانی است پر از حیات بسراز  
هجایت . پر از اسرار

### بر فراز بلندیهای زمیسن

"... بعد از ناهار بود . پروفیسور هارکر خواب بود .  
من ولای آهسته سخن میگفتم ولی گوش بهنگامه  
برف طوفان زده داده بودیم ...  
ناگهان احساس کردیم که یخ پاره زیر  
پای مالرزه هولناکی یافته است ..."



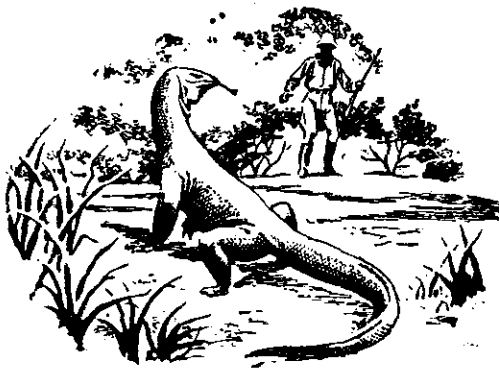
## راز فرعون گمشده



”... چون بدرون نگرست نورشمع که هنوز میدرخشید اورا از دیدن اطاق بازداشت و چون چشمش عادت کرد ابتدا میهم سپس با روشنی چیزی دید که هیچ بشری در قرون جدید ندیده بود...”

## اژدهائی که نمرود

داستان اژدهائی است که از يك نسل منقرض شده ماقبل تاریخ که در سال ۱۹۲۶ در جزیره کمورو دیده شده .



## قطب شمال

” غرش طوفان چنان سخت بود که نه سگان ونه مردان هیچیک متوجه صدای آن حیوان عظیم نشدند... ناگهان یکی از آن میان سرش را بالا کرد و ناگهان فریادی زد و ابزاری که در دستش بود بر زمین انداخت و چون او را شناخت فریاد زد :

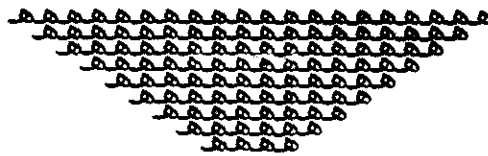
استفانس زنده است استفانس زنده است



## ترجمه خاطرات زائرین

میدانستم که حضرت عبدالبها<sup>ع</sup> علاقه وافری به گلها دارند و انواع گل را درباغچه<sup>ع</sup> خانه خود گردآورده اند لذا وقتی از روضه مبارکه مراجعت میکردیم دسته گلی را که از باغ قصر بهجی چیده بودم تقدیم حضور مبارک نمودم . حضرت عبدالبها<sup>ع</sup> با وقار و هیمنه مخصوص خود گلها را پذیرفتند و آنها را به داماد خود سپردند تا برای احبای حیفای ببرد . ما همگی در حضور مبارک جالس بودیم و حضرت عبدالبها<sup>ع</sup> بیاناتی میفرمودند و من بیانات مبارک را برای دوستان هندی ترجمه میکردم . حضرت عبدالبها<sup>ع</sup> میفرمودند :

”هیچ ذره ای در این جهان بدون کمک و معاونت دیگری نمیتواند موفقیتی بدست آورد . هر چیزی در این جهان به کمک و معاضدت دیگران احتیاج دارد . یک شخص ضعیف با کمک دیگران قدرتی می یابد و یک قطره با همراهی قطرات دیگر بحری میشود . بشر بیش از همه چیز برای ترقی و تعالی روح خود به قوه روح القدس و تائیدات الهیه محتاج است من امیدوارم که شما با تائیدات جمال اقدس الهی سبب اشتعال و نورانیت تمام خطه<sup>ع</sup> هندوستان شوید . شما نباید به توانائی محدود شخص خود ناظر باشید بلکه باید ناظر و دلگرم باین باشید که تائیدات الهیه تاجه حد عظیم است . ببینید چگونه خاک تیره در پرتو تابناک شعاع خورشید گلها و ریاحین زیبا بیار میآورد . همچنین هر یک از ما با کمک تائیدات الهی میتوانیم دنیاائی را از قدرت و توانائی خود متحیر و مبهور کنیم این حقیقتا یمان الهی و آن چیزی است که هر موفقیتی منوط و وابسته به آن است .



بدنیال افتتاح صفحه ای برای معرفی جوانان و نوجوانان موفق شرح حال زیرا ز طرف لجنه جوانان کرمان به این کمیسیون رسیده که عینا درج میگردد . ضمنا در انتظار دریافت اخبار موفقیت آمیز سایر جوانان و نوجوانان عزیز هستیم :

” هفت ساله بود که بالقب هفرمند کوچولودریکی از ارکسترهای کرمان به نواختن ضرب پرداخت و چند سال بعد همه آقای عطاء<sup>ع</sup> الله مشرف زاده رابعنوان خواننده رسمی رادیو کرمان و یکی از بهترین نوازندگان

ره های موفق

## آهنگ بدیع

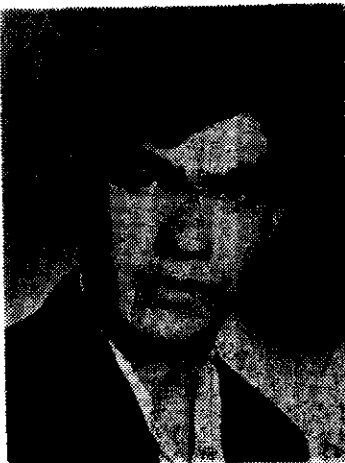
میشناختند ،

دو سال قبل نیز بین گروه خوانندگان محصل کشور رتبه دومی را احراز نمود . بعلاوه ایشان دارای خطی زیبا و نقاشی‌ها جالب میباشند .

هنگام با فعالیتهای هنری این جوان شایسته در امور تحصیلی نیز از جوانان موفق بوده چنانچه سال گذشته در سال چهارم دبیرستان حائز رتبه اول گردیده و مورد تشویق مقامات فرهنگی قرار گرفت .

مشرف زاده در تشکیلات جوانان بهائی کرمان نیز جوانی پرشور و فعال میباشد و در حال حاضر در کمیسیونهای مختلفه لجنه جوانان کرمان به خدمت اشتغال دارد .

آرزوی ما پیشرفتهای درخشان تراو در زمینه خدمات امری و امور تحصیلی و هنری میباشد .



## اطلاع

همانطور که در شماره های گذشته به اطلاع نوجوانان عزیز رسید کمیسیون نوجوانان آهنگ بدیع نوشتن داستانهای کوتاه امری ، شرح حال بزرگان ، مقالاتی در زمینه بنیادی روحانی و معرفی کتاب را به مسابقه گذارده است . شرح کامل مسابقه و توضیحات لازم در شماره شش درج شده است . اینک خاطر نشان میسازد که بعلمت تأخیر در انتشار آهنگ بدیع مهلت شرکت در مسابقه مزبور کماکان ادامه دارد و کمیسیون نوجوانان در انتظار دریافت مقالات و آثار دوستان عزیز میباشد .